فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۸، صص ۱۷۶ - ۱۵۷

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۳۰۷

اقتصاد سیاسی ائتلاف‌ها: استمرار و تغیر درپارادایم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

سجاد بهرامی مقدم[1]
استادیار گروه روابط بین الملل دانشگاه گیلان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۳ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۳**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

این مقاله به طرح مساله ائتلاف‌ها و چینش اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد، ایده اصلی این مقاله این است که ایران به عنوان یک موجودیت، اهدافی در سیاست خارجی دنبال می‌کند که تقدم و تآخر این اهداف توسط ائتلاف مسلط سبک و سنگین شده و نمودار سیاست خارجی ایران را ترسیم کرده است. تا پیش از ۱۹۷۹، ائتلاف باستان گرایان بر ایران مسلط شده بود و اهداف سیاست خارجی ایران را با توجه به منافع و ترجیحات خود و فهمی که از منافع ملی کشور داشت ریز و درشت نمودار سیاست خارجی ایران را تعریف کرده بود. این ائتلاف مسلط، توسط ائتلاف چپ گرایان، ائتلاف ملی گرایان و ائتلاف اسلام گرایان به چالش گرفته شده و در نهایت ساقط گردید. پس از انتقال، ئتلاف اسلام گرایان بر اداره امور مسلط گردید و باتوجه به منافع و ترجیحات خود و فهمی که از منافع ایران و درکی که از محیط بیرونی دارد به بازبینی در سیاست خارجی ایران پرداخته و اهداف سیاست خارجی را بازنویسی کرده است. با تسلط ائتلاف وسیع اسلام گرایان، الیت های دیگر ائتلاف‌های باستان گرایان، چپ گرایان و ملی گرایان به بیرون و حاشیه رانده و این ائتلاف‌ها متفرق شده‌اند. باور این مقاله این است که پس از تسلط اسلام گرایان، اهداف سیاست خارجی کشور توسط این ائتلاف تعین شده است که در ادامه این ائتلاف خود به دو ائتلاف چپ گرایی و راست گرایی تجزیه شده و پس از تجزیه، به طور کلی ائتلاف راست گرایی است که به عنوان ائتلاف مسلط اهداف سیاست خارجی ایران را شکل داده است و ائتلاف چپ گرایی به عنوان ائتلافی چالشگر تقلا کرده است که با توجه به ترجیحات خود و فهم متفاوتی که از منافع ملی دارد سیاست خارجی ایران را بازتعریف کند، بنابراین چینش اهداف سیاست خارجی به موضوعی برای کشمکش ائتلاف مسلط و ائتلاف چالشگر تبدیل شده است.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد سیاسی، ائتلاف مسلط، ائتلاف چالشگر، اهداف سیاست خارجی، ایران

1. sajadbahrami@gmail.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

۱- مقدمه

پارادایم سیاست خارجی ایران پس از ۱۹۷۹ تغیر کرده است. اما هم چنان تقلایی در داخل کشور بر سر پارادایم سیاست خارجی کشور در جریان است، به طور کلی از قرن نوزدهم میلادی که ایران با غرب مدرن مواجه شده است پویش‌ها و جریان‌های فکری بزرگی در ایران به حرکت افتاده است. هنگامی که ایران به عنوان جامعه‌ای شرقی پس از قرن‌های متمادی رکود در فنون و تکنولوژی با قدرت‌های مدرن غربی روبرو شد، پرسش بزرگی در ایران مطرح شد، این که سبب عقب ماندگی از قدرت‌های مدرن غربی چیست و برای رهایی از این عقب ماندگی چه باید کرد، از آن قرن، مناقشه‌ها و مشاجره‌های فراگیری در داخل ایران در ابعاد مختلف شکل گرفته است. از جمله درباره سیاست خارجی ایران مشاجره‌هایی جریان یافته و بایدها و نبایدها در سیاست خارجی کشور به کانونی برای مناقشه جریان‌های مختلف تبدیل شده است. قاجاریه که در آن قرن بر این مسلط بودند در واقع پرقدرت‌ترین الیت های سیاسی ایران محسوب می‌شدند که عالی‌ترین موقعیت‌ها و جایگاههای سیاسی در حکمرانی بر قلمرو ایران را در اختیار داشتند، به عبارتی قاجاریه ائتلافی از الیت های متنفذ سیاسی و نیروهایی در میان اقشار گوناگون بود که به عنوان قدرتمندترین ائتلاف بر ایران مسلط شده بود، تبار الیت های این ائتلاف مسلط به میراث مغول‌های غارتگر برمی گشت که برای غارت از استپ‌های مغولستان، قلمروشان را گسترش داده بودند، یک ائتلاف دیگر، ائتلاف وسیع اسلام گرایان بود که خارج از حکومت، موقعیت کلیدی و عالی مرجعیت و نفوذ وسیع اجتماعی را در اختیار داشتند، میراثی که پس از هجوم اعراب مسلمان از ٦٥١ میلادی در ایران ریشه دوانیده و رشد یافته بود. از قرن نوزدهم که تعرض و توسعه طلبی قدرت‌های مدرن غربی به قلمرو ایران گسترش یافت، مشاجره میان اسلام گرایان و پادشاهی قاجاریه برسر چگونگی مواجه با قدرت‌های خارجی آغاز شد، یک جریان فکری دیگر که به روشنفکران معروف است در پی انتقال و اشاعه ارزش‌های مدرن غربی در ایران روبه رشد گذاشت، این جریان روشنفکری نیز که عالی‌ترین الیت های آن را روشنفکران شکل می‌دادند به مثابه ائتلافی وارد مشاجره بر سر چگونگی مواجه با قدرت‌های غربی مدرن شد، یک جریان فکری دیگر که در ایران روبه رشد گذاشت جریان مارکسیستی بود، این ائتلاف که عالی‌ترین الیت های آن را روشنفکران و مبارزان مارکسیستی شکل می‌دادند نیز به طرح بایدها و نبایدها در

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

خصوص روابط ایران با قدرت‌های غربی پرداخت. پس از دهه‌های متوالی، هم چنان سیاست خارجی کشور، کانونی برای مشاجره و مناقشه باقی مانده است، ریشه این مناقشات در چیست، چگونه می‌توان مناقشات بنیادین در سیاست خارجی را خاتمه داد، این‌ها از جمله پرسش‌هایی است که در این باره مطرح است، که هریک مستلزم پژوهش‌هایی جداگانه است. در این مقاله سوالی که مورد بررسی است این است که بین الیت ها و ائتلاف‌های سیاسی و تداوم و تغیر پارادایم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چه ارتباطی وجود دارد؟ و در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که فراز و فرود الیت ها و ائتلاف‌های سیاسی به عالی‌ترین موقعیت‌های رسمی و غیر رسمی قدرت عامل تعین کننده تداوم و تغیر در پارادایم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است. که پس از طرح رهیافت مفهومی به روش تبیینی به بررسی آن پرداخته خواهد شد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۲-رهیافت مفهومی: اقتصاد سیاسی ائتلاف‌ها و منحنی اهداف بازیگران

به طورکلی دولت‌ها ابرائتلاف هایی هستند که خود به ائتلاف‌های دیگری تقسیم شده‌اند. جمعیت انسانی که در قلمروهایی معین از یکدیگر جدا شده‌اند، برای درک اهداف سیاست خارجی دولت‌ها از مفهوم منحنی بی‌تفاوتی[1] در اقتصاد سیاسی استفاده می‌کنیم، منحنی بی تفاوتی به منحنی فرضی از چیدمان ذهنی اولویت بندی اهداف افراد اشاره دارد. در واقع این افرادی که در درون دولت‌ها زندگی می‌کنند هر یک منافع و اهداف و ترجیحاتی دارند و هر فردی خواسته‌های نامحدود و بی پایانی دارد اما منابع محدودی دارد به عبارتی هر فردی دارای منابع محدود و خواسته‌هایی نامحدود است و با توجه به محدودیت در منابع ناگزیر است که از میان خواسته‌هایی که دارد برخی را حذف کند و برخی دیگر از خواسته‌ها را انتخاب کند و منابعی را که در اختیار دارد صرف دست یافتن به آنها کند. عقلانیت حکم می‌کند که منابع را صرف چیزهایی کند که با کمترین هزینه ممکن بیشترین دستاورد را کسب کند. یعنی این که افراد با محاسبه هزینه فایده، منابع را صرف می‌کنند و در این جا هزینه به دست آوردن هر چیزی برابر است با ارزش سایر چیزهایی که از دست می‌دهند. هزینه‌ای که صرف رسیدن به یک هدف می‌شود هم شامل منابعی است که برای آن هدف صرف شده

1. Indifference Curve

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

است و هم شامل فرصت‌هایی است که در اثر انتخاب آن هدف، از دست می‌روند. چرا که افراد همیشه مجبور هستند که برخی اهداف را به هزینه قربانی کردن دیگر اهداف دنبال کنند (منکیو، ۱۳۹۷: ١٤-١٢).

دولت‌ها نیز از طرفی منابع محدودی دارند و افرادی که در درون دولت‌ها زندگی می‌کنند ممکن است هر کدام بایدها و نبایدهایی درباره چگونگی تخصیص منابع ملی داشته باشتند، هر یک از افراد درباره این که کشورشان منابع را صرف چه اهدافی کند باورهایی دارند این منابع از جمله شامل زمان و دارایی‌های مادی است. بنابراین بر سر کنترل سهم بیشتری از منابعی که در درون یک دولت وجود دارد بین افراد و گروهها رقابت شکل می‌گیرد چرا که هر گروهی از افراد که بتوانند بر کشور حکمران شوند و کلیدی‌ترین موقعیت‌های تصمیم گیری را کسب کنند نقش کلیدی در چگونگی تخصیص منابع ملی بدست می‌آورند (Leftwich, 2010: 6).

در این میان ائتلاف‌ها گروههایی رسمی یا غیررسمی هستند که با هم برای نیل به اهدافی که نمی‌توانند به تنهایی به دست آورند همکاری می‌کنند، ائتلاف‌ها اشکال مختلفی به خود می‌گیرند، ائتلاف‌های رسمی یا غیر رسمی، هر ائتلافی دارای الیت های خود است، الیت گروه خیلی کوچک از افراد هستند که موقعیت‌های فرماندهی یا قوی‌ترین موقعیت‌ها را در درون یک ائتلاف اشغال کرده‌اند، نمی‌توان انکار کرد که الیت ها نقش تعیین کننده‌ای در شکل دادن به تصمیات و سیاست‌های هر کشوری دارند. ائتلاف‌ها و الیت های هر ائتلافی با توجه به اهدافی که دنبال می‌کنند به ائتلاف‌ها و الیت های متمایزی قابل تفکیک هستند، ائتلاف‌ها و الیت های مذهبی، ائتلاف‌ها و الیت های روشنفکری، ائتلاف‌ها و الیت های رانت جو، ائتلاف‌ها و الیت های بازرگانی، ائتلاف‌ها و الیت های سیاسی و دیگر موارد، ائتلاف‌ها ممکن است اهدافی از قبیل غالب کردن جهت گیری خاص بر سیاست خارجی کشور، گسترش عدالت، رشد و رفاه اقتصادی، آزادی‌های مدنی، برابری‌های جنسیتی، اهداف فرقه‌ای و مذهبی، اهداف قومی، حفاظت از زیست بوم، و یا هر هدف دیگری را دنبال کنند و در صدد این باشند که نسبت درخوری از منابع کشور را صرف نیل به این خواسته‌ها کنند. بنابراین با توجه به هدفی که دنبال می‌کنند از یکدیگر متفاوت‌اند، مثلاً ائتلاف‌های رانت جو در صدد هستند که به هزینه کل کشور سیاست‌ها و چیزهایی را دنبال کنند که به نفع خودشان است برعکس آن ائتلاف‌های توسعه گرا، اتئلاف هایی هستند که اهدافشان به هزینه کل کشور

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

تأمین نمی‌شود بلکه در هم افزایی با کل است. بنابراین برای درک اهداف سیاست خارجی دولت‌ها می‌بایست ائتلاف‌ها و ائتلاف مسلط بر آن دولت را بررسی کرد (بنگرید به: Denney and McLaren, 2016).

سیاست بیرونی هر دولتی مجموعه‌ای از اهدافی است که در درجه اول بر حسب منافع اعضای ائتلاف مسلط و یا ائتلاف حاکم تعین می‌شود. اهداف و سیاست خارجی دولت در درجه اول بر حسب منافع اعضای مسلط و یا ائتلاف حاکم تعین می‌شود. وقتی کسی چیستی این اهداف و منافع را بررسی می‌کند با مناظره‌ای طولانی روبرو می‌شود که استانلی هافمن در ۱۹۷۳، آن را مناظره سنتی و مدرن خوانده است. منظور از سنتی رئالیست‌های سیاسی هستند که بر این باورند که قدرت و امنیت ملی در گذشته اهداف اولیه دولت‌ها بوده و امروزه نیز همچنان هستند. مدرن‌ها بر این باورند که باور سنتی‌ها در باره گذشته صحیح است اما در دنیای امروزی ثبات اقتصاد داخلی و تضمین رفاه شهروندان به اهداف اولیه دولت‌ها تبدیل شده است.

برخلاف باور سنتی‌ها و مدرن‌ها، دولت‌ها صرفاً اهداف امنیتی یا رفاهی را دنبال نمی‌کنند. ائتلاف مسلط و متنفذترین الیت های آن باتوجه به منافع خود، منافع ائتلاف مسلط و فهمی که از منافع ملی باتوجه به درکی که از محیط بین المللی دارند به ترسیم اهداف سیاست خارجی می‌پردازند، به گونه‌ای که اهداف را سبک و سنگین کرده و چیدمان منحنی سیاست خارجی را شکل می‌دهند. این که وزن و جایگاه اهداف رفاهی یا اهداف امنیتی یا دیگر اهداف هر دولتی در منحنی سیاست خارجی آن دولت چگونه باشد قویاً توسط ائتلاف مسلط یا ائتلافی که توانسته بر دیگر ائتلاف‌های آن دولت مسلط شود تعیین می‌شود (گیلپین، ۱۳۹۸: ۴۱-۳۸).

توسط ائتلاف مسلط و متنفذترین الیت های آن است که خواسته‌ها سبک و سنگین شده و منابع ملی صرف تأمین آن‌ها می‌شود. سعی برای دست یابی به یک هدف بطور اجتناب ناپذیری با توجه به دیگر اهداف هزینه‌هایی برای دولت‌ها دارد. بنابراین رئالیست‌های سیاسی درباره اهمیت امنیت به عنوان هدف اولیه باور صحیحی دارند، که اگر این هدف تأمین نشود همه دیگر اهداف را تحت الشعاع قرار می‌دهد اما همان گونه که مدرن‌ها درباره تقدم و برتری اهداف رفاهی دچار اشتباه هستند سنتی‌ها نیز در کم اهمیت دادن به اهداف رفاهی و اقتصادی دچار اشتباه‌اند (گیلپین، ۱۳۹۸: ۴۱).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

در واقع ثروت و قدرت یا رفاه و امنیت پیوندی وثیق باهم دارند، بررسی‌های نشان می‌دهد که در عصر مدرن، هیچ دولتی بی آنکه در رشد اقتصادی نسبت به دیگر دولت‌ها پیشتاز باشد نتوانسته به قدرتی بزرگ تبدیل شود. به عبارتی هیچ دولتی بدون آن که در رشد اقتصادی از رقبا پیشیبی بگیرد قادر به تغیر اساسی موقعیت ملی خود در سلسله مراتب قدرت و پرستیژ در عرصه بین المللی نیست. به بیانی دیگر اهداف رفاهی و امنیتی دولت‌ها پیوندی وثیق با هم دارند بدون قدرت نظامی در نهایت دولت‌های ملی مدرن قادر به حفاظت از خویش نیستند و بدون رشد بادوام اقتصادی نیز دولت‌های ملی مدرن قادر به انباشت قدرت کافی در قیاس با رقبای بزرگتر نخواهند بود (بنگرید به: مرشایمر،۱۳۹۳، ارگانسکی، ۱۳٤۸، کندی ۱۳۹۵، زکریا، ۱۳۹۸). مساله این است که منافع ائتلاف مسلط و فهمی که از منافع ملی و محیط بین المللی دارد آیا اقتضا می‌کند که موقعیتی به خوبی حساب شده برای اهداف اقتصادی و نظامی بر روی منحنی سیاست خارجی ترسیم کند یا خیر، بر همین اساس ائتلاف مسلط گاهی چیدمان منحنی اهداف سیاست خارجی را به شیوه‌ای سبک و سنگین می‌کند بهترین چیدمان اهداف برای آن دولت نیست بلکه بهترین چیدمان ممکن اهداف برای ائتلاف مسلط است. این گونه شکاف در منافع ائتلاف مسلط و منافع ملی هزینه‌های هولناکی بر بقای دولت‌های ملی مدرن تحمیل می‌کند، ائتلاف مسلط در صدد کسب موقعیتی مطلوب از چینش اهداف در منحنی سیاست خارجی است که در درجه اول به استمرار تسلط خودش و تأمین منافع این ائتلاف منجر شود. بنابراین ترجیهات و منافع ائتلاف‌های مسلط در چگونگی ترکیب اهداف دولت‌ها تاثیری بسزا دارد.. در وهله اول شبیب منحنی اهداف (ترکیب رضایت بخشی از اهداف) از جامعه ایی به جامعه ایی دیگر بسته به منافع خاص نخبگان داخلی مسلط و محیط بین المللی فرق دارد. برای مثال یک دولت در اروپای قاره ایی با هم سایگانی قدرتمند بطور اجتناب ناپذیری بیش از یک کشور جزیره‌ای با منافع اقتصادی جهانی، همانند بریتانیا در قرن نوزدهم و ایالات متحده در قرن بیستم بر امنیت تاکید می‌کند. بر این اساس غیر ممکن است که بتوان بر اساس یک قاعده عام تعین کرد که دقیقاً کدام اهداف بی حدوحصر امنیتی، اقتصادی یا دیگر اهداف، سبب رضایت دولت‌ها می‌شود. در طول تاریخ دولت‌ها و نخبگان حاکم رنجی از اهداف سیاسی، اقتصادی و ایدئولوزیکی داشته‌اند.

در دولت‌های گوناگون در دوره‌های مختلف ترکیب این اهداف با توجه به ضریب مجموعه

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

اهداف، متفاوت بوده است. برای مثال ضریب اهداف امنیتی نسبت به اهداف اقتصادی به عوامل داخلی و بیرونی بستگی دارد. اهداف مهم یک عصر ممکن است در عصری دیگر نسبتاً کم اهمیت باشند. بر همین اساس در اوایل عصر مدرن اهداف مذهبی وزن سنگینی در سیاست خارجی دولت‌های اروپای غربی داشت. در پی انقلاب فرانسه، ایدئولوژی‌های سیاسی لیبرالیسم و محافظه کاری به عواملی مهم در سیاست خارجی تبدیل شدند. در دنیای اواخر قرن بیستم منافع و ایدئولوژی‌های اقتصادی به طور فزاینده‌ای به اهداف مهم دولت‌ها مبدل شده است بنابراین این ترکیب و سبک و سنگین کردن منافع است که برای فهم سیاست خارجی دولت‌ها حیاتی است ترکیبی که توسط ائتلافی ترسیم می‌شود که قادر شده بر دیگر ائتلاف‌های داخل یک کشور چیره شود.

دوما، شیب انحراف بی تفاوتی در پاسخ به دگرگونی‌های داخلی و خارجی ممکن است که تغییر کند. توزیع قدرت در میان ائتلاف‌های داخلی در طول زمان می‌تواند دستخوش تغیر شود، و توآم با آن ترکیب منافع یا اهداف سیاست خارجی آن دولت تغیر خواهد کرد. برای مثال نخبگان حاکم ممکن است که وزن نسبی منافع را به نفع اهداف امنیتی بازبینی کنند. دقیقاً ممکن است به گونه‌ای دیگر شیب منحنی انحراف به نفع اهداف اقتصادی، تکنولوژیکی تغیر کند و یا دیگر تغیرات محیطی هزینه‌های پی گیری یک یا چند هدف خاص را برای دولتی یا برای دولت‌ها تغیر دهند (گیلپین، ۱۳۹۸: ٤١). در ادامه از این مبانی تئوریکی در باره ائتلاف‌ها، برای درک سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بهره گرفته خواهد شد.

۳-ائتلاف مسلط باستان گرایان و اهداف سیاست خارجی ایران

ایران به عنوان یک امپراتوری پیشامدرن در قرن نوزدهم به حوزه‌ای برای کشمکش قدرت‌های بزرگ مدرن تبدیل شده بود، گسترش نفوذ روسیه از جانب شمال، و گسترش نفوذ بریتانیا از جنوب، شکست‌های پی درپی و ضعف و عقب ماندگی ایران در قیاس با دولت‌های ملی مدرن، سبب طرح پرسش‌هایی بزرگ در خصوص علل عقب ماندگی ایران شد. در چنین بستری باستان گرایان که از طریق مستشرقین به شناخت بیشتری از امپراتوری‌های باشکوه گذشته ایرانی دست یافته بودند، به طور کلی بر این باور بودند که ایران تا قبل از سقوط امپراتوری ساسانی در سال ٦٥١ میلادی به دست اعراب، تاریخ شکوهمندی داشته است و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

شکوه و عظمت ایران پس از سقوط امپراتوری ساسانی از دست رفته و ایران با فراگیری و اخذ و اقتباس دستاوردهای غرب مدرن می‌تواند عظمت از دست رفته در شکل یک کشور پیشرفته و مترقی بازسازی کند (Zabih and Chubin, 1974: 81-93).

اشاعه این ایده‌ها در درون ایران، جریانی را گسترش می‌داد که از آن به عنوان ائتلاف باستان گرایان یاد می‌کنیم، ائتلافی که در رأس آن شاه به مثابه قوی‌ترین نخبه قدرت قرار داشت. باستان گرایی برساخته‌ای ذهنی بود که بصورت سیاسی در مواجهه آسیب‌زا با غرب مدرن ایجاد شده بود. غرب به مثابه الگوی باستان گرایان بود که تا جاییکه امکان دارد می‌بایست شبیه به آن شد. این انگاره خود محصول تصوری بود که باستان گرایان به واسطه باورهایی بود که از تاریخ، توسعه و ترقی داشتند. آن‌ها «نسبت به تاریخ دیدگاه تک خطی داشتند و معتقد بودند تاریخ الگوی ثابتی از پیشرفت را طی می‌کند در این دیدگاه تمدن اروپایی، پیشرفته‌ترین حالت و وضعیت تمدنی است. از نظر باستان گرایان مدرن شدن به معنای اروپایی شدن بود. مشابه به کمالیست ها در ترکیه که باور داشتند که مدرن شدن تنها زمانی امکان پذیر است که بتوان شرایط منتج به مدرن شدن اروپا را به وجود آورد. از آنجاییکه پیش شرط‌های مدرن شدن شدن اروپا، رویه‌ها و اعمال فرهنگ اروپایی بود، برای مدرن سازی واقعی نیز باید فرهنگ اروپایی را تقلید کرد. از نظر مصطفی کمال و طرفدارانش «معجزه اروپایی» را می‌توان تقلید، تکثیر و دوبرابر کرد. باستان گرایان نیز باور داشتند که اروپا منبع الهام است و باید از آن کپی برداری نمود (بنگرید به: احمدیان و محمدی، ۱۳۹۷).

در مقابل آن اسلام گرایان باورهای دیگری داشتند آنها بر این باور بودند که در سده‌های زرین، تمدن اسلامی در دوره‌ای از شکوه و عظمت قرار داشته است، در دوره‌ای که اروپا در قرون تاریک وسطی به سر می‌برده است جوامع اسلامی، جوامعی پررونق و شکوفا بوده‌اند، این جریان فکری به طور کلی باور داشت که می‌بایست عصر زرین تمدن اسلامی می‌بایست به مثابه برهه‌ای درخشان از تاریخ قلمداد شود. این جریان فکری گسترش یافته و روحانیون و متنفذین سنتی، اصلی‌ترین الیت های آن محسوب می‌شدند. یک جریان فکری دیگر که در ایران رشد یافته بود مارکسیسم بود که به عنوان جنبش فکری که از بیرون وارد ایران شده بود گسترش یافته و نیروهای اجتماعی و سیاسی خود را به بار آورده بود. این جریان به طورکلی نگرشی مثبت به اسلام گرایی نداشت. چپ گرایان ایده‌های مارکسیستی و لنینیستی را ترویج

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

می‌کردند و حاملان ارزش‌های مارکسیتی بودند و روایت‌هایی که از تاریخ و گذشته ایران داشتند روایت‌هایی متفاوت بود، آن‌ها عمدتاً تفسیر و فهمی طبقاتی از تاریخ ایران داشتند و به طور کلی شورویزیاسیون کردن ایران را دنبال می‌کردند (Zabih, 2011)، یک جریان دیگر جریان ملی گرایان بود که از الیت های برجسته آن‌ها می‌توان به محمدمصدق اشاره کرد، این جریان به لحاظ فکری و اجتماعی باورها و ارزش‌هایی به گستردگی ارزش‌ها و باورهای دیگر جریان‌های بزرگ نداشت اما نخبگان سیاسی آن و عمدتاً محمد مصدق چهره‌ای متنفذ و تاثیرگذار بودند (Zabih, 1958). ذیل تسلط باستان گرایان و در رأس آن شاه، ایران در سطح بین المللی با آمریکا متحد شده بود و در سطح منطقه‌ای در خاورمیانه به همکاری با پادشاهی‌های محافظه کار روی آورده بود. در همین راستا بود که در ۱۹۵۵، ایران به پیمان بغداد و در سال ۱۹۵۸ به سازمان معاهده پیمان مرکزی پیوست و بدین گونه در تقسیم بندی‌های عصر جنگ سرد در مقابل شوروی و متحدین منطقه آیش به بلوک غرب پیوسته بود. به طور کلی گسترش همکاری‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی با جوامع توسعه یافته غربی و کوشش برای «غربی کردن» ایران و مقابله با توسعه طلبی کمونیسم و جمهوری‌های انقلابی عربی رویکردها و جهان بینی پارادایم سیاست خارجی شاه را توضیح می‌داد (Dorman, 1979: 27). در حالی که دیگر ائتلاف‌ها یعنی چپ گرایان، ملی گرایان و اسلام گرایان باتوجه به منافع و باورهایشان و فهمی که از منافع ایران و محیط بیرونی داشتند، هر کدام باور داشتند که سیاست خارجی کشور می‌بایست مطابق باورهایشان بازبینی شود. شاه در واقع به تنهایی قادر به رویارویی با این ائتلاف‌های مخالف نبود، شاه از آنجا که در رأس قدرتمندترین ائتلاف کشور قرار داشت قادر بود که پارادایم سیاست خارجی را شکل دهد. اما ائتلاف‌های مخالف در نهایت وارد یک اتفاق نانوشته شده و ائتلاف مسلط باستان گرایان را ساقط کردند و پارادایم مسلط سیاست خارجی ایران نیز فروپاشید.

۴-تسلط ائتلاف اسلام گرایان و بازبینی اهداف سیاست خارجی

پس از سقوط شاه در زمستان ۱۹۷۹، ائتلاف باستان گرایان کنترل بر امور ایران را از دست داد و سه ائتلاف چالشگر هر کدام در ضمن همکاری با یکدیگر بر سر چیستی و چگونگی اهداف سیاست خارجی کشور وارد کشمکش شدند، با سقوط کابینه نخست وزیر بازرگان

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

در نوامبر ۱۹۷۹ و متعاقب آن اوج گیری تعارض ائتلاف چپ گرایان با اسلام گرایان تا ژوئن ۱۹۸۱، ملی گرایان به حاشیه رانده شده و چپ گرایان نیز دچار فروپاشی شده و الیت های این ائتلاف به خارج از کشور گریختند و الیت های متنفذ ائتلاف اسلام گرایان که در بیستم مارس ۱۹۷۹ حزب جمهوری اسلامی را تأسیس کرده بودند در کنار موقعیت عالی رهبری امام دیگر موقعیت‌های کلیدی قدرت سیاسی را کسب کرده و کنترل بر امور را در دست گرفته و به بازبینی در سیاست‌های داخلی و خارجی ایران پرداختند. در سطح بین المللی ذیل تحقق ترجیحات اسلام گرایان، تا نوامبر ۱۹۷۹، سفارت ایالات متحده در تهران تعطیل شده و در هشتم آوریل ۱۹۸۰، روابط سیاسی ایران و ایالات متحده به طور رسمی قطع شده و ایران به همکاری‌هایش با ایالات متحده خاتمه داد، در سطح منطقه‌ای، در بیست و پنجم مارس ۱۹۷۹، ایران از پیمان سنتو خارج شد و روابط ایران با متحدین پیشین شاه از جمله پادشاهی عربستان سعودی پرتنش شده و به تیرگی گرایید و در نهم ژوئن ۱۹۷۹ ایران به جنبش عدم تعهد پیوست، جنبشی که نهادی برای گردهمایی رهبران جهان سوم سازمان داده بود و اهدافی جهان سوم گرایانه را در صحنه بین المللی دنبال می‌کرد، بدین گونه ایران ذیل تسلط ائتلاف اسلام گرایان، سیاست اتحاد با ایالات متحده و جهان توسعه یافته صنعتی را ترک کرده و به بازنویسی اهداف سیاست خارجی خود پرداخت (Abidi, 1981: 338-342).

بدین گونه شیب منحنی اهداف سیاست خارجی ایران از گرایش به ایالات متحده و جهان توسعه یافته صنعتی به گرایش به گسترش همکاری با شماری از معارضین و گروههایی در جهان سوم گرایش یافت که همکاری با آنها را برای بقای خود و پیش برد ترجیحاتش حائز اهمیت می‌دانست، سیاستی که می‌توان آنرا سیاست جهان سوم گرایانه خواند، به طور کلی پس از سقوط باستان گرایان ذیل فرمانروایی شاه و تسلط اسلام گرایان ذیل رهبری امام خمینی ره، پارادایم سیاست خارجی ایران دچار انتقال شد، انتقال از گرایش به جهان توسعه یافته صنعتی تحت رهبری امریکا به گرایش به جهان سوم. اسلام گرایان ذیل رهبری امام، نقش اساسی در تقریر قانون اساسی جدید و تأسیس نهادها و سازمان‌ها و بنیادها برای اداره امور کشور داشتند.

آن‌ها بر اساس منافع، ترجیحات، جهان بینی و باورهای خود به بازسازماندهی امور در زمینه‌های مختلف پرداختند، این ائتلاف، گسترش یافته ترین ائتلاف بود که از افراد و

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

گروههایی از اقشار مختلف اجتماعی تشکیل شده بود، ائتلافی غیر رسمی و نانوشته که الیت های مذهبی یا روحانیون کلیدی‌ترین موقعیت‌ها را در آن داشتند. عالی‌ترین موقعیت در واقع رهبری انقلاب بود که حضرت امام (ره) به عنوان مرجع عالی قدر این موقعیت را داشت.

علاوه بر این از سال ۱۳۶۰ الی ۱۳۶۸، آیت الله خامنه‌ای و میرحسین موسوی هر دو از موسسان حزب جمهوری اسلامی به ترتیب ریاست جمهوری و نخست وزیری را در اختیار داشتند، دیگر نهادهای کلیدی شامل خبرگان رهبری، شورای نگهبان قانون اساسی و نهاد مهم مجلس یا پارلمان نیز در اختیار نیروهایی بود که از ائتلاف بزرگ اسلام گرایان محسوب می‌شوند. فراتر از آن در رسانه‌ها، نهادهای مختلف و بنیادها و سازمان‌ها و مؤسسات گوناگون غالب افراد اداره کننده به ائتلاف وسیع اسلام گرایان تعلق داشتند و در اقشار گوناگون نیز در مجموع اکثریت قریب به اتفاق به این ائتلاف بزرگ پیوسته بوند. ذیل تسلط این ائتلاف نانوشته، اسلام گرایان سیاست داخلی و خارجی کشور را دگرگون کردند، در عرصه اقتصادی، سهم بخش واقعی خصوصی به حدود پانزده درصد کاهش یافت و بخش عظیمی از شرکت‌ها و بنگاهها به بنیادهایی از قبیل آستان قدس رضوی، بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید، بنیاد مسکن و نهادهای دولتی واگذار شد، تجارت خارجی تحت کنترل حکومت قرار گرفت و به طور کلی خودبسندگی اقتصادی به اصل راهنمای تعامل کشور با تجارت جهانی تبدیل شد (احتشامی، ۱۳۸۵: ۱٤۸)، این امر ریشه در انگیزه‌ها و باورهای الیت های متنفذ ائتلاف اسلام گرایان داشت. آن‌ها بیم داشتند که گسترش روابط اقتصادی با جوامع توسعه یافته صنعتی پیامدهای حیاتی برای دستاوردهای انقلاب به بار آورد، آن‌ها ترس داشتند که عدم کنترل کامل بر تجارت خارجی و گسترش مراودات اقتصادی به نفوذ سیاسی رقبای خارجی و تزلزل ارزش‌ها و اخلاق سنتی در کشور بی انجامد همه این‌ها برای تسلطشان بر امور مخاطره آمیز دریافته می‌شد.

در زمینه سیاسی، آن‌ها با بخشی از ارزش‌ها و نهادهای برآمده از تمدن مدرن اروپا که با ترجیحات و باورها و ارزش‌هایشان تعارض داشت یا به مثابه چالشی امنیتی فهمیده می‌شد مخالفت داشتند و بر این اساس ارزش‌های غربی اشاعه یافته در کشور را که میراث قدرت‌های استعماری و وابستگان داخلی‌شان خوانده می‌شد منکوب گردیده و سیاست‌های فرهنگی، آموزشی و اجتماعی شاه باتوجه به جهان بینی اسلام گرایان بازبینی شد (Amirah-madi, 1990: 27-36).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

سیاست خارجی کشور نیز به طور اساسی مورد بازنگری قرار گرفت. در دوره زمانی ۱۳۶۰ الی ۱۳۶۸، که هاشمی رفسنجانی از الیت ها و موسسان متنفذ حزب جمهوری اسلامی و از اسلام گرایان ریاست جمهوری را در اختیار داشت به طور نیز همانند دوره قبلی ائتلاف اسلام گرایی موقعیت‌های تعین کننده و مهم اداره امور را در اختیار داشتند، گرچه سیاست خارجی ایران در این دوره شاهد تغیراتی نسبت به قبل بود اما این تغیرات متأثر از تغیرات محیطی بیرونی و تاحدودی نیز درک متمایز هاشمی از واقعیت‌های داخلی و بین المللی بود اما هم چنان در درون جهان بینی و ترجیحات اسلام گرایان دنبال می‌شد (بنگرید به: Arjo-mand, 2009)، در واقع هاشمی رفسنجانی به عنوان یک انقلابی کهنه کار و متنفذ بعدها در بستر تحولاتی که سبب تجزیه ائتلاف اسلام گرایان به دو ائتلاف راست گرایی و چپ گرایی شده بود که از راست گرایی به چپ گرایی گرایش یافت. به طور اساسی درکی که الیت ها از واقعیت‌ها دارند ممکن است در نتیجه پیامدهای سیاست‌های اتخاذ شده و عملیاتی شده اشان متحول شود. این امر درباره ائتلاف‌ها و دگرگونی در نگرش‌ها و ترجیحات و محتوای ذهنی‌شان نیز صادق است.

۵-تجزیه ائتلاف اسلام گرایان: ائتلاف غالب راست گرایی و ائتلاف چالشگر چپ گرایی

پس از سقوط شاه و فروپاشی ائتلاف مسلط باستان گرایان، تسلط بر امور کشور به ائتلاف اسلام گرایان انتقال یافت، این ائتلاف رفته رفته دچار انشقاق شده و به دو ائتلاف راست گرایی و چپ گرایی تجزیه شده است، تعارض منافع الیت ها و گروهها و افرادی که در درون ائتلاف‌ها جای دارند و پیامدهای سیاست‌های اعمال شده ائتلاف‌ها بر منافع آنها بر تجزیه یا تحول ائتلاف‌ها تأثیر می‌گذارد، افراد درباره طرز کار جهان باورهایی علی در ذهن دارند که بر عملکردشان تأثیر می‌گذارد، تجارب فردی و آموزش دو مجرای اصلی شکل دهنده به باورهای علی افراد هستند، فرهنگ‌های انسانی و هنجارها و ارزش‌ها، در کل محتوای ذهنی افراد و الیت های به هم پیوسته در ائتلاف‌ها بر سیاست‌ها و عملکرد آن‌ها تأثیر گذار است و نتایج سیاست‌های عملیاتی بر باورهای علی افراد تأثیر می‌گذارد و ممکن است سبب تحول در محتوای ذهنی ائتلاف‌ها یا تجزیه آنها شود (نورث، والیس و وینگاست، ۱۳۹۵: ۷۳-۷۶).

به طور کلی کلیدی‌ترین نهادهای قدرت در طول چهار دهه گذشته در کنترل راست گرایی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

که از آن به مثابه اصول گرایی یاد می‌شود قرار داشته است و ائتلاف چپ گرایی در دوره‌هایی توانسته است سهم غالب از قدرت سیاسی را در نهاد ریاست جمهوری و پارلمان و نهادهای استانی و شهری و محلی رسمی را بدست آورد، که برجسته‌ترین دوره، دوره زمانی است که سید محمد خاتمی امور ریاست جمهوری کشور را در اختیار داشت و در پارلمان نیز مقارن با آن اکثریت نمایندگان از طیف‌های موسوم به چپ گرایی یا به عبارت رایج اصلاح طلب خوانده می‌شدند، در همان دوره نیز، ائتلاف راست گرایی همچنان کنترل بر اداره امور تعین کننده ترین نهادهای کشور را در اختیار داشت. در دوره ریاست جمهوری خاتمی که الیت های ائتلاف چپ گرایی در نهادهای پارلمان، رسانه‌ها و وزارتخانه‌های دولتی مواضع مهمی کسب کرده بودند، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شاهد تغیراتی در جهت بازبینی در مناسبات با بازیگران مختلف بود این تغیرات را رشد ائتلاف چپ گرایی به نهادهای ریاست جمهوری و پارلمان و تقویت اجتماعی این ائتلاف به صحنه آورده بود که منافع، ترجیحات و باورهایی متمایز از ائتلاف مسلط راست گرایی داشت، آن‌ها درکی متفاوت از منافع ملی کشور داشتند گرچه این تقلای برای بازبینی سیاست خارجی کشور بی اثر و بی میراث نبود اما موفق به بازنگری سیاست خارجی نشد (Aldosari, 2015: 18-21).

پس از این دوره پر کشمکش بین دو ائتلاف چپ و راست بر سر چگونگی سیاست خارجی که تا سال ۱۳۸٤ خاتمه یافت، محمود احمدی نژاد از ائتلاف راست گرایی به ریاست جمهوری انتخاب شد و در پارلمان و دیگر نهادهای استانی و شهری نیز راست گرایان به قدرت رسیدند، این دوره که تا ۱۳۹۲ به طول کشید، ائتلاف مسلط راست گرایی میراث ناکام و ناتمام چپ گرایی دوره خاتمی را از سیاست خارجی کشور زدود و این ائتلاف مسلط به رغم اختلافات درون ائتلافی سیاست خارجی کشور را پیش برد، در این دوره ائتلاف چپ گرایی به عنوان چالشگری که الیت های آن مواضع رسمی کسب شده دوره خاتمی را از دست داده بودند با تقلایی اجتماعی و نه چندان مؤثر سیاست خارجی احمدی نژاد را به چالش گرفت (Ehteshami & Zweiri, 2012) و برخی از الیت های متنفذ از قبیل هاشمی رفسنجانی نیز در نهادهای عالی قدرت بیش از گذشته از ائتلاف راست گرایی فاصله گرفته و به ائتلاف چپ گرایی پیوستند. پس از پایان این دوره، حسن روحانی نیز که تا پیش از آن از الیت های نه چندان عالی ائتلاف راست گرایی برشمرده می‌شد که به ائتلاف چپ گرایی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

پیوسته بود به ریاست جمهوری کشور انتخاب شد در پارلمان و در نهادهای عالی‌تر نیز این ائتلاف چپ گرایی مواضع قابل توجهی کسب کرد و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران یک دوره دیگر شاهد کشمکشی بین ائتلاف مسلط راست گرایی و ائتلاف چالشگر چپ گرایی بر سر سبک و سنگین کردن اولویت‌ها و تقدم و تآخرها و راه حل مسائل شد. در همه این برهه‌ها مقام معظم رهبری نیز از همه دولت‌ها حمایت کرده است و هرجا هم لازم شده بر حسب عملکردها متذکر شده‌اند، بر این اساس به رغم فراز و نشیب‌هایی که سیاست خارجی ایران داشته است شاهد استمرار و تقلایی برای بازبینی بوده است.

۶-سیاست خارجی به مثابه کشمکش دو ائتلاف راست گرایی و چپ گرایی

به لحاظ محتوای ذهنی و فکری، راست گرایی و چپ گرایی در نگرش‌ها، جهان بینی، سبک و سیاق زندگی داری تمایزند، در سطح بین المللی ائتلاف مسلط راست گرایی در مصادیق با توجه به منافع، ترجیحات، باورها و درکی که از منافع ایران دارد به اسرائیل به مثابه دشمن و ایالات متحده به مثابه قدرتی با امیال شیطانی که ممکن است مخاطره آمیزترین خطرات را متوجه ثبات سیاسی ایران کند نگریسته می‌شود و گسترش همکاری‌های سیاسی و اقتصادی با جوامع توسعه یافته صنعتی که متحدین ایالات متحده نیز هستند پر مخاطره فهمیده می‌شود. در عوض برای مقابله با فشارهایی که بازیگران مختلف و در رأس آن دشمنان و رقبای منطقه‌ای در خاورمیانه و ایالات متحده علیه ایران اعمال می‌کنند، این ائتلاف مسلط، به همکاری‌های محاسبه شده سیاسی و اقتصادی با چین و روسیه و معدود دولت‌های خارج از اتحاد با ایالات متحده از قبیل کره شمالی گرایش دارند،

در سطح منطقه‌ای این ائتلاف مسلط بیش از هر منطقه‌ای در پیرامون ایران، به خاورمیانه و معادلات آن با وسواس‌های امنیتی می‌نگرند، آن‌ها برای حمایت از جنبش و معارضین انقلابی بحرین، شیعیان معارض پادشاهی سعودی، حوثی‌ها و معارضین پادشاهی سعودی در یمن، احزاب شیعی عراق، جنبش اسلامی حماس و جهاد اسلامی در حوزه فلسطین و حزب الله لبنان و متحدینش در درون لبنان و حکومت سوریه در دمشق وزن قابل توجهی قائل‌اند. به عبارتی ائتلاف مسلط راست گرایی در سبک و سنگین کردن اهداف منحنی سیاست خارجی کشور وزن به مراتب چشمگیری به دشمنی با اسرائیل و قدرت دارای امیال شیطانی ایالات

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

متحده، و گسترش پیوندهایش با گروههای معارض یا به عبارتی پروکسی‌هایش در خاورمیانه و همکاری‌هایی محاسبه شده با چین و روسیه و دیگر دولت‌های خارج از اتحاد با ایالات متحده داده است (Chubin, 2014: 16-21).

در حالی که ائتلاف چالشگر چپ گرایی کوشش کرده است که منحنی اهداف سیاست خارجی کشور را بازبینی کند و در سبک و سنگین کردن اهداف، چیستی و باید و نبایدهای اهداف سیاست خارجی ایران با ائتلاف مسلط وارد کشمکش شده است. ائتلاف چالشگر چپ گرایی بیش از گسترش همکاری با چین و روسیه و دیگر دولت‌های خارج از اتحاد با امریکا، به گسترش همکاری‌های اقتصادی و سیاسی با جوامع توسعه یافته صنعتی اروپایی و شرق آسیا و تعاملی محاسبه شده با ایالات متحده باور دارند و نگرشی منفی نسبت به چین و روسیه به عنوان قدرت‌های اقتدارگرای شرقی دارند و برخلاف نگرش‌هایی که در میان ائتلاف راست گرایی مشاهده می‌شود که قدرت‌های غربی را رو به افول می‌خوانند و تمایل به تخفیف توانایی‌های ایالات متحده دارند در میان ائتلاف چالشگر چپ گرایی باورها و نگرشهایی و بلکه تمایلاتی وجود دارد که قابلیت‌های دو قدرت اقتدارگرای شرقی یعنی چین و روسیه را تخفیف دهند، در سطح منطقه‌ای نیز وزن و اهمیتی را که ائتلاف مسلط راست گرایی برای گسترش همکاری با گروهها و جنبش‌های مختلف معارض قائل‌اند، قائل نیستند. بلکه به مراتب اهمیت و ضرورت این گروهها را کمتر برآورد می‌کنند.

آن‌ها بیش از آن به گسترش همکاری با حکومت‌های مسلط در کشورهای خاورمیانه باور دارند و بر این باورند که کیفیت روابط ایران با گروههای معارض و جنبش‌ها از قبیل جنبش انقلابی بحرین و حماس و جهاد اسلامی در فلسطین و حزب الله و متحدینش در درون لبنان و حوثی‌ها و معارضین پادشاهی سعودی در عربستان و یمن و احزاب شیعی عراق می‌بایست به شیوه و طریقه‌ای دیگر باشد (Negahban, 2017: 33).

البته پرواضح است که در درون هر یک از این دو ائتلاف راست گرایی و ائتلاف چپ گرایی نگرش‌ها و مواضع و طرز فکرهای متمایز و متفاوتی نیز وجود دارد بر همین اساس از مفهوم ائتلاف برای اشاره به آنها استفاده می‌شود. علاوه بر این در بستر تحولات افراد و گروههای مختلف از اقشار گوناگون نیز ممکن است از ائتلافی به ائتلافی دیگر بپیوندند، از طرفی ائتلاف‌ها و گروههای اجتماعی یا سیاسی دیگری نیز وجود دارد از جمله ائتلاف

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

نانوشته مسیحیان ارمنی یا ائتلاف‌های نانوشته زبانی و فرهنگی یا جنسیتی یا حرفه‌ای و ائتلاف‌های نانوشته شغلی اما در نهایت این گروهها برای تحقق اهدافشان ممکن است به یکی از دو ائتلاف بزرگ مسلط راست گرایی و ائتلاف چالشگر چپ گرایی بپیوندند یا ممکن است به گونه‌ای دیگر سعی کنند که خارج از این ائتلاف‌های بزرگ موضع و جای گاهی برای خود داشته باشند. اما به طور کلی این ائتلاف راست گرایی است که به عنوان ائتلاف مسلط اهداف سیاست خارجی ایران را تقریر و اعمال می‌کند و این ائتلاف بزرگ چپ گرایی است که سعی در بازبینی در این اهداف و بازچینش نمودار یا منحنی سیاست خارجی کشور دارد.

آنچه که تا کنون به رغم نشیب‌هایی که داشته است به استمرار در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران انجامیده است تسلط راست گرایی است و آنچه که تغیراتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مربوط است به طورکلی به تلاش‌های غالباً ناکام ائتلاف چپ گرایی مربوط می‌شود. این دو گزاره به رغم نارسایی‌هایی که دارند از قابلیت چشمگیری برای توضیح سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در طول چهار دهه گذشته برخوردارند و تاثیرات هر یک از این دو ائتلاف بر سیاست خارجی ایران هر کدام دستاوردها و هزینه‌هایی برای کشور به بار آورده است، اگرچه این اصلی بدیهی در سیاست جهان است که هر دستاوردی برای هر کشوری مستلزم هزینه‌هایی است این هزینه‌ها از جمله شامل هزینه‌های فرصت یا فرصت‌هایی است که در پی چینش اهداف سیاست خارجی هر کشوری به ناگزیر نادیده گرفته شده و از دست می‌روند. این اصل یکی از بدیهی‌ترین اصول در اقتصاد سیاسی است که بازیگران هنگامی که از بین گزینه‌های مختلف ناگزیر به انتخاب هستند به ناچار برای رسیدن به برخی از اهداف، اهدافی دیگر را نادیده می‌گیرند و عقلانیت حکم می‌کند که بازیگران از میان اهداف مختلفی که می‌توانند دنبال کنند هدف یا هدف‌هایی را پی گیری کنند که در مجموع با کمترین هزینه ممکن بیشترین فایده را کسب کنند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

نتیجه‌گیری

پس از فروپاشی پهلوی در ۱۹۷۹، پارادایم سیاست خارجی ایران به پارادایمی جهان سوم گرایانه تغیر کرده است. اگر در دوره شاه، ترجیهات او و ائتلاف تحت کنترلش سیاست خارجی ایران را با گرایش به گسترش همکاری با دولت‌های توسعه یافته سرمایه داری و اقتضائات پیش برد مدرنیزاسیون اجتماعی و اقتصادی ایران و مبارزه با توسعه طلبی کمونیسم و ارتجاع ملی گرایی انقلابی عربی تعریف می‌کرد، پس از ۱۹۷۹، گسترش حمایت از شماری از گروههای غیر حکومتی در درون دولت‌های ورشکسته در پیرامون ایران، خروج ایران از ائتلاف یا ایالات متحده و جوامع توسعه یافته صنعتی و اجتناب از گسترش مراودات کشور و دمکراسی‌های توسعه یافته از مشخصه‌های پارادایم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است. سیاست خارجی که می‌توان آن را یک سیاست خارجی جهان سوم گرایانه در مقابل سیاست خارجی غرب گرایانه شاه خواند. ریشه این تفاوت در ترجیهات و منافع و فهم متفاوت دو ائتلاف باستان گرایی و اسلام گرایی و الیت های این دو ائتلاف از منافع ایران دارد. در دوره شاه که باستان گرایان بر نهادهای عالی حکمرانی رسمی مسلط بودند، اسلام گرایان موقعیت کلیدی و غیر رسمی مرجعیت و نفوذ گسترده‌تر اجتماعی را در اختیار داشتند. بنابراین اگرچه شاه به عنوان متنفذترین الیت باستان گرایان سیاست خارجی ایران را ترسیم می‌کرد اما در مواردی معدود ملاحظات اسلام گرایان را نیز در سبک و سنگین کردن مسائل سیاست خارجی تاحدودی لحاظ می‌کرد، از جمله در خصوص اسرائیل، دیگر ائتلاف چالشگر نیز ائتلاف چپ گرایان بود که در نقطه مقابل شاه، طرفدار گسترش نفوذ شوروی در ایران بودند و رویای گسترش روابط ایران با بلوک شرق را در سر می‌پرورانیدند، شاه از آنها واهمه داشت و برای حفظ خود در برابر این ائتلاف مورد حمایت شوروی، همکاری‌های امنیتی با ایالات متحده را عمق بخشید. ملی گرایان طرفدار مصدق نیز یک ائتلاف چالشگر محسوب می‌شدند که نفوذ گسترده اسلام گرایان را نداشتند، این ائتلاف در موقعیتی، شاه را ناگزیر از ترک کشور کرده بود که در نهایت با پشتیبانی ایالات متحده و حمایت‌های تاکتیکی برخی دیگر ائتلاف‌ها و الیت های مخالف بود که به قدرت بازگشت، سرانجام در اتفاق نظری نانوشه اسلام گرایان و چپ گرایان و ملی گرایان به هم پیوسته و شاه را ساقط کردند، الیت های ائتلاف باستان گرایان از آن پس متفرق شده و در خارج از کشور مشاجره بر سر سیاست خارجی جمهوری اسلامی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

ایران را پی گرفته‌اند. چپ گرایان نیز بشدت سرکوب و متفرق شدند، تنها ائتلاف ملی گرایان بود که در دوره دولت موقت برخی از نهادهای قدرت را در اختیار داشت و سعی کرد پارادایم سیاست خارجی ایران را مطابق ترجیهات خود و فهمی که از منافع ایران داشت تعریف کنند که در نهایت با تکمیل تسلط اسلام گرایان و بیرون رانده شدن آنها از نهاد مجریه کوششان ناکام ماند و به منتقدینی برای سیاست خارجی کشور تبدیل شدند، از آن پس با تکمیل تسلط اسلام گرایان آن‌ها پارادایم سیاست خارجی ایران را ترسیم کرده و شماری از اهداف را بر روی منحنی فرضی سیاست خارجی ایران سبک و سنگین کرده و باتوجه به ترجیهات خود چیده‌اند، در ادامه ائتلاف اسلام گرایی به دو ائتلاف چپ گرایی و راست گرایی تجزیه شده است، سال ۱۳۷۶ و صعود چپ گرایان با ریاست جمهوری سید محمد خاتمی به نهاد ریاست جمهوری نقطه عطفی بود که بیش از پیش شکاف در ائتلاف اسلام گرایان را عیان کرد. از آن هنگام ائتلاف چپ گرایی به ائتلافی چالشگر تبدیل شده است که تقلا می‌کند که پارادایم سیاست خارجی ایران را که توسط ائتلاف مسلط راست گرایی تعریف شده است، بازتعریف کند. بنابراین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دگرباره به کانونی برای مناقشه ائتلاف مسلط راست گرایی و ائتلاف چالشگر چپ گرایی و میراث‌های متفرق باستان گرایی و چپ گرایان مارکسیستی بدل شده است. بنابراین استمرار پارادایم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را با استمرار ائتلاف مسلط می‌توان توضیح داد و تغیرات ناموفق در آن را با تقلای ائتلاف چالشگر، اما ائتلاف‌ها در طول زمان دستخوش تحول می‌شوند و از قدرتشان کاسته یا بر آن افزوده می‌شود. ائتلاف‌ها به لحاظ کارکردی با هم تفاوت دارند از جمله ائتلاف‌های رانت جو- توزیعی، ائتلاف‌های غارتگر، ائتلاف‌های توسعه گرا، ائتلاف‌های غیر توسعه گرا، در واقع قاجاریه یک ائتلاف غارتگر مبتی بر رانت جویی و توزیع رانت به منظور کسب طرفدار برای عالی‌ترین الیت هایش بود، آن ائتلاف میراث و الیت هایش از تبار مغولان غارتگر محسوب می‌شد که برای غارت بر قلمرو ایران هجوم آورده و مسلط شده بودند. بررسی ماهیت و کارکرد ائتلاف‌های مسلط و چالشگر ایران و آسیب شناسی آنها در جهت ارتقا به پژوهش‌های دیگری نیاز دارد و دولت‌های موفق دولت‌هایی هستند که منافع ائتلاف‌های مسلطشان در هم افزایی با منافع کل کشور است یا این که فراتر از آن ساختار نهادی ملی را به شیوه‌ای دگرگون کرده‌اند که به طور بنیادین نهادها تحت حاکمیت قانون کار می‌کنند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

منابع

احتشامی، انوشیروان، (۱۳۸۵)، گذار از بحران جانشینی، ترجمه ابراهیم متقی، زهره پوستین چی، تهران: قومس

احمدیان، قدرت و محمدی، محمد کریم (۱۳۹۷)، واکاوی رژیم حقیقت کمالیستی، *مجله پژوهش‌های روابط بین الملل*، دوره ۸، شماره ۲، پیاپی ۲۸، تابستان، ۳۶-۷

ارگانسکی، ابرامو، (۱۳٤۸)، *سیاست جهان*، ترجمه حسین فرهودی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب

زکریا، فرید، (۱۳۹۸)، *از ثروت به قدرت، ریشه‌های نامتعارف نقش جهانی آمریکا*، ترجمه نجف شیخ سرایی، محسن توکلیان و حسینعلی یارخی، تهران: انتشارات روزنه

عجم اوغلو، دارون، لیبسون، دیوید و لیست، جان (۱۳۹۷)، *کلیات علم اقتصاد*، ترجمه سید علیرضا بهشتی شیرازی و محمدحسین نعیمی پور، تهران: انتشارات روزنه

کندی، پل، (۱۳۹۵)، *ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ*، ترجمه محمد قائد، ناصر موفقیان و اکبر تبریزی، تهران: علمی و فرهنگی

گیلپین، رابرت، (۱۳۹۸)، *جنگ و تغییر در سیاست جهان*، ترجمه سجاد بهرامی مقدم، تهران: نشر مخاطب

مرشایمر، جان (۱۳۹۳)، *تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ*، ترجمه غلامعلی چگنی زاده، تهران: نشر وزارت امورخارجه

منکیو، گریگوری، (۱۳۹۷)، *مبانی علم اقتصاد*، ترجمه حمیدرضا ارباب، تهران: نشرنی

نورث، داگلاس، والیس، جان جوزوف و وینگاست، باری (۱۳۹۵)، *خشونت و نظم‌های اجتماعی، چارچوبی مفهومی برای تفسیر تاریخ ثبت شده بشر*، ترجمه جعفر خیرخواهان و رضا مجید زاده، تهران: انتشارات روزنه

Abidi, A. H. H. (1981): "Iran and non-alignment." *International Studies* 20.1-2,337-359.

Alamdari, K. (2005). The Power Structure of the Islamic Republic of Iran: transition from populism to clientelism, and militarization of the government. Third World Quarterly, 26(8), 1285-1301.

ALDosari, N. R. (2015). Foreign Policy from Khatami to Ahmadinejad There is One Foreign Policy in Iran, which is Khamenei's Foreign Policy. *Foreign Policy*, 2(1).

Amirahmadi, H. (1990). *Revolution and Economic Transition: The Iranian Experience*. SUNY Press.

Arjomand, S. A. (2009). *After Khomeini: Iran Under His Successors*. Oxford University Press.

Chubin, S. (2014). *Wither Iran? Reform, Domestic Politics and National Security*. Routledge.

Denney, L., and R. McLaren. (2016) "*Thinking and Working Politically to Support*

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

Developmental Leadership and Coalitions: The Pacific Leadership Program (Developmental Leadership Program Research Paper, No. 41)." Birmingham: Developmental Leadership Program.

Dorman, W. A., & Omeed, E. (1979). Reporting Iran the Shah's way. Columbia Journalism Review, 17(5), 27.

Ehteshami, A., & Zweiri, M. (Eds.). (2012). *Iran's foreign policy: from Khatami to Ahmadinejad*. Sussex Academic Press.

Leftwich, Adrian(2010) "*Beyond institutions: Rethinking the role of leaders, elites and coalitions in the institutional formation of developmental states and strategies*." Forum for Development Studies. Vol. 37. No. 1. Routledge

Negahban, B. (2017). *Who Makes Iran's Foreign Policy: The Revolutionary Guard and Factional Politics in the Formulation of Iranian Foreign Policy*. Yale J. Int'l Aff., 12, 33.

Zabih Sepehr(2011) *The Left in Contemporary Iran : Ideology, Organisation, and the Soviet Connection*, Routledge

Zabih Sepehr, (1958), *The Mossadegh Era: Roots of The Iranian Revolution*, Publisher: Chicago, Ill.: Lake View.

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI:۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۳۰۷

بهرامی مقدم، سجاد (۱۳۹۸)، «اقتصاد سیاسی ائتلاف‌ها: استمرار و تغیر درپارادایم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۹، ش۳، پاییز ۹۸، صص ۱۷۶-۱۵۷.

سال نهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۸

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]